

پادشاهی فرخ زاد

بخش ۱ - پادشاهی فرخ زاد یک ماه بود



متن شاهنامه (بر اساس نسخه مسکو) اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی

دفتر هفتم

ز جهرم فرخ زاد را خواندند	بران تخت شاهیش بنشانند
چو بر تخت بنشست و کرد آفرین	ز نیکی دهش بر جهان آفرین
منم گفت فرزند شاهنشهان	نخواهم جز از ایمنی در جهان
ز گیتی هرانکس که جوید گزند	چو من شاه باشم نگردد بلند
هرانکس که جوید بدل راستی	نیارد بکار اندرون کاستی
بدارمش چون جان پاک ارجمند	نجویم ابر بی‌گزندان گزند
چو یک ماه بگذشت بر تخت او	بخاک اندر آمد سر و بخت او
همین بودش از روز و آرام بهر	یکی بنده در می بر آمیخت زهر
بخورد و یکی هفته زان پس بزیست	هر انکس که بشنید بر وی گریست
همی پادشاهی به پایان رسید	ز هر سو همی دشمن آمد پدید
چنین است کردار گردنده دهر	نگه کن کزو چند یابی تو بهر
بخور هرچ داری به فردا میای	که فردا مگر دیگر آیدش رای
ستاند ز تو دیگری را دهد	جهان خوانیش بی‌گمان برجهد
بخور هرچ داری فزونی بده	تو رنجیده ای بهر دشمن منه
هر آنکه که روز تو اندر گذشت	نهاده همه باد گردد بدشت